

Bactrian correspondence: A case study of cl and cm letters

Najmeh Gharib*, Zohre Zarshenas**

Abstract

In this research, cl and cm letters from Bactrian letters collection have been studied. First, the author has transliterated the two letters and translated them into Persian, then analyzed the lexicon. The letters show that the two letters are related to each other and indicate the correspondence of government officials in Bactria. For example, letters begin with "a greeting to my dear brother", and the author of the letter expresses his pleasure at hearing the ruler's health, and at the end, again, Greetings to the ruler. The letters are about stealing horses. This article, while providing a Persian translation of these letters, seeks to answer the following questions: 1. what is the style of writing in Bactria? 2- Based on these letters, letters, is it possible to understand writer's and recipient's occupation? 3. According to these letters, is it possible to understand the rank of the officers? 4. What is the tone of the letters?

Keywords: Bactrian language; Bactria; cl and cm letters; horse theft; Bactrian letters; documents and correspondence in middle periods.

* Islamic Azad University, Tehran Research Sciences Branch, Faculty of Language and Literature
Literature, nazi.gharib59@gmail.com

** Professor of Ancient Culture and Languages, Institute of Humanities and Cultural Studies
(Corresponding Author), zzarshenas@gmail.com

Date received: 2021/06/28, Date of acceptance: 2021/09/09

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی نامه‌های cl و cm

نجمه غریب*

زهره زرشناس**

چکیده

در این پژوهش نامه‌های cl و cm از مجموعه نامه‌های بلخی، و بررسی شده است. نخست، نگارنده این دو نامه را حرف نویسی کرده و به زبان فارسی ترجمه کرده، سپس به تحلیل واژگانی پرداخته است. متن نامه‌ها نشان می‌دهد که این دو نامه با یکدیگر مرتبط اند و از نحوه مکاتبه مقامات دولتی در بلخ حکایت دارند. مثلاً "نامه‌ها با عبارت " درود و نماز به برادر عزیز من آغاز می‌شود و نویسنده نامه از شنیدن خبر سلامتی فرمانروا ابراز خرسندی می‌کند و در پایان نیز مجدداً به فرمانروا درود می‌فرستد. نامه‌ها درباره دزدیدن اسب است. این مقاله، ضمن اینکه ترجمه‌ای فارسی از این نامه‌ها ارائه داده است، بر آن است تا به این پرسش‌ها نیز پاسخ دهد: ۱. شیوه نامه‌نگاری در بلخ چگونه بوده است؟ ۲. آیا میتوان از روی این نامه‌ها به عنوان شغلی نویسنده و گیرنده آنها پی برد؟ ۳. آیا از روی این نامه‌ها می‌توان مشخص کرد که کدام مقام رتبه بالاتر یا پایین‌تر داشته است؟ ۴. لحن نامه‌ها چگونه است؟

* دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران،
nazi.gharib59@gmail.com

** استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
zzarshenas@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

کلیدواژه‌ها: زبان بلخی، بلخان، نامه‌های cl و cm، دزدی اسب، نامه‌های بلخی، اسناد و نامه‌نگاری در دوران میانه، نامه‌نگاری مقامات.

۱. مقدمه

سرزمین بلخ باستان (بلخان)، دشتی میان هندوکش و آمودریا، مرکز آن، بلخ، در تاریخ آسیای مرکزی نقشی اساسی داشته است. یافته‌های باستان‌شناسی در سرزمین بلخ (باختر) از حضور جوامع اولیه انسانی پیش از هزاره سوم ق.م حکایت می‌کند. با این حال، محدوده جغرافیایی بلخ از دیرباز دستخوش تغییر و دگرگونی‌های مکرر بوده است. سرزمین بلخ امروزه از شمال به تاجیکستان و ازبکستان و از طرف شمال غربی به ترکمنستان و از شرق با استان‌های قندوز و بغلان و از طرف جنوب با استان‌های بامیان و غور محدود شده است (زواری، ۱۳۸۸: ۲۵)

نام بلخ، نخست در فهرست فتوحات داریوش شاه هخامنشی و نیز در یکی از آثار کتزیاس دیده می‌شود. در این نوشته، ناحیه بلخ سرزمینی است ثروتمند با شهرهای بسیار و بلخ، شهری با برج و باروهای سربه فلک کشیده و بلند، مرکز سیاسی و اداری آن است (زرشناس، ۱۳۷۶: ۱۲)

بلخ در عهد هخامنشی همراه با مارگیانا دوازدهمین شهر هخامنشی را تشکیل داد. شهربان بلخ یکی از بستگان شاهنشاه هخامنشی بود که این امر نشان می‌دهد که بلخ از نظر فرمانروایان هخامنشی اهمیت سیاسی و اقتصادی بسیار داشته است. این منطقه از نظر سیاسی به عنوان حائل دفاعی در برابر اقوام شمالی به شمار می‌رفت و اهمیت آن از نظر اقتصادی به واسطه کشاورزی سودمند و وقوع آن بر سر جاده شاهی به هند بود. (Leriche, 1989: 340) پس از هخامنشیان، با لشکرکشی اسکندر به بلخ، دوره بلخی - یونانی فرا رسید و در پی مرگ وی در سال ۳۲۶ ق.م بلخ با سغد که هدف حمله اسکندر بود یکی شد و شهربی را تشکیل داد. زمانی که حکومت سلوکیان رو به ضعف نهاد، پارت و بلخ توان استقلال یافتند و در این حال دیودت جدایی بلخ را اعلام کرد و سکه به نام خود زد. (بیوار، ۱۳۷۳: ج ۳/ ۱۸۷-۱۸۲؛ Leriche, 1989: 340). دوره یونانی - بلخی با ورود قبایل صحرائین یوئه چی در حدود ۱۳۰ ق.م به سر رسید و یکی از سران قبایل یوئه چی سایر رهبران قبایل را مطیع ساخت و سلسله کوشانی را در بلخ بنیان نهاد

(Leriche, 1989: 341). تاریخ کوشانیان به واسطه کمبود منابع دستخوش ابهام است. و تنها منبع کوشانی در این زمینه نوشته‌های روی سکه‌ها، مهرها و کتیبه‌های وقفی است که تاریخ آن‌ها چندان روشن نیست. کوشان‌ها پس از غلبه بر بلخ نخت شیوه سنتی استفاده از یونانی را در نوشتار به کار گرفتند اما زبان بلخی، زبان بومی سرزمین آن‌ها بود که بعدها برای نوشتار به عنوان زبان رسمی و اداری و در نهایت به عنوان زبان ملی به کار گرفتند. بلخ در عهد کوشانیان از ارزش اقتصادی و فرهنگی برخوردار شد. این شهر از توقفگاه‌های عمده تجاری بر سر جاده ابریشم به هند بود (سیمز ویلیامز، ۱۳۷۹: ۸۳-۱۰۷).

زبان بلخی در شمار زبان‌های ایرانی میانه شرقی است. این زبان پیش از این، تخاری خوانده می‌شد و نخستین بار ایران‌شناس نامدار والتر برونو هنینگ، این زبان را از خانواده زبان‌های هند و ایرانی دانست و آن را بلخی نام نهاد. (سیمز ویلیامز، ۱۳۸۲: ۲۶۱).

۱.۱

آثار باقی‌مانده از زبان بلخی به سه گروه تقسیم می‌شوند که به طور خلاصه عبارتند از:

الف) سکه‌ها و مهرها:

معمولاً نشانگر نام شاهان و عناوین آن‌ها به یونانی و گاه به پهلوی، بلخی و خط شکسته یونانی-بلخی بود. در حدود چهل مهر نیز با نام و عناوین یونانی-بلخی منتشر شده است و القابی که بر روی این مهرها به کار رفته اند عمدتاً ایرانی غربی هستند. (سیمز ویلیامز، ۱۹۸۹: ۳۴۵)

ب) کتیبه‌ها:

کهن‌ترین کتیبه‌های بازمانده از زبان بلخی کتیبه سرخ کتل است که نخست توسط ماریک با عنوان "کتیبه بزرگ‌کنیشکا" منتشر شد. (Maricq, 1958: 246). کتیبه‌های دیگر، ایرتیم، رباطک و دو کتیبه از جغتو و دو کتیبه بسیار کوتاه از پل شاتال می‌باشد (جعفری دهقی، ۱۳۹۲: ۱۶ و Sims-Williams, 1989: 230-235).

ج) دست‌نوشته‌ها که خود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. اسناد اقتصادی؛ ۲. اسناد حقوقی؛ ۳. نامه‌ها

۲.۱ نامه‌نگاری در دوره میانه و پیشینه پژوهش

نامه از دیرباز و در هر دوره‌ای به‌عنوان وسیله‌ای برای مکاتبه میان افراد مختلف حائز اهمیت بوده است. در دوره میانه نیز نامه به عنوان وسیله‌ای برای انتقال پیام و یا ارسال دستوراتی از طرف مقامات کشور دارای اهمیت بوده است. این نامه‌ها به دو دسته، نامه‌های میانه غربی و نامه‌های میانه شرقی تقسیم می‌شوند. نامه‌های دوره میانه غربی به خط و زبان پهلوی می‌باشد. موضوع نامه‌های میانه غربی، مسائل سیاسی و کشورداری است که شامل نامه‌هایی است که از طرف شاهان ساسانی نوشته شده است از جمله نامه‌های اردشیر که در آن به دستورالعمل و خط مشی این شاه در امور کشورداری اشاره کرد. شیوه نگارش این نامه‌ها به این صورت است که ابتدا ی نامه با مقدمه‌ای آغاز شده است و پس از آن متن نامه آغاز می‌گردد که همانند نامه‌نگاری‌های زمان

ساسانی ابتدا نام فرستنده که مقام برتری داشته ذکر می‌شود و سپس نام مخاطب نامه می‌آید. از دیگر نامه‌ها می‌توان به نامه‌های انوشیروان اشاره کرد که نامه‌ای سیاسی است که وی پس از رسیدن به سلطنت به چهار سپهبد چهار ناحیه کشور نوشته است. نامه‌های منسوب به شاهان و بزرگان ساسانی متضمن سخنان حکیمانه و دستورهایی درباره اداره درست مملکت بوده است (تفضلی، ۲۲۷ و ۲۳۴: ۱۳۸۶).

برخی از نامه‌های دوره میانه غربی در خصوص مسائل دینی می‌باشد که از این نوع می‌توان به نامه‌های منوچهر اشاره کرد. منوچهر برادر زادسپرم هیربد سیرکان (سیرجان) است. وی سه نامه درباره آیین برشنوم (تطهیر) از خود به جای گذاشته است. نخستین نامه خطاب به مردم سیرکان (سیرجان) است دومین نامه خطاب به برادرش زادسپرم و سومین نامه خطاب به بهدینان پارس، کرمان و ایران زمین است. این نامه‌ها از نظر شیوه نگارش پر از الفاظ و تعقید دست و پا گیر به همراه عبارات سنگین و حاوی جمله‌های مرکب و معترضه متنوع است. این عبارات فقهی و اصطلاحات دینی کهن، ناشناخته می‌باشند و فهم متن را دشوار ساخته‌اند. در این نامه‌ها نویسنده (منوچهر) می‌کوشد که دیدگاه خود را به زبانی بیان نماید که پایه آن صورت گفتاری (شفاهی) و بی‌قاعدگی زبان روزمره است. وی در نوشتن این نامه‌ها از ابزار زبانی از جمله بذله‌گویی، ریشخند، شکوه و شکایت بهره برده است. در برخی از این نامه‌ها تشبیهات و کنایه‌های رایج گفتاری به چشم می‌خورد (منصوری؛ شریفانی ۱۳-۱۵: ۱۳۹۴).

از نامه‌های دوره میانه شرقی نامه‌های سغدی و بلخی باقی مانده است که نامه‌های سغدی به خط و زبان سغدی است و نامه‌های بلخی که دو نمونه از آن نیز موضوع این پژوهش است به خط یونانی نوشته شده است.

اورال استین (Aural Astein) نه نامه سغدی را تحت عنوان نامه‌های سغدی باستان در سال ۱۹۰۷ کشف کرد که فقط ۵ نامه از آنها کامل است. نیکلاس سیمز ویلیامز این نامه‌ها را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است (Sims-Williams, 2004) و رضا مرادی غیاث آبادی این پنج نامه را به فارسی برگردانده است. بر اساس این ترجمه‌ها می‌توان دریافت که نامه‌های سغدی در خصوص مسائل خانوادگی، مسائل و مشکلات سیاسی و تجاری اند. به‌عنوان مثال نامه‌ای است که دختری به مادرش نوشته و در مورد مسائل و مشکلات زندگی توضیح داده است و یا نامه‌ای که زنی به همسرش نوشته و از مشکلات و بی‌پولی و دوری از همسرش صحبت کرده است. نامه‌های دیگر دیگر در خصوص پراکندگی سغدی‌ان و ویرانی دو شهر مهم چین می‌باشد و همچنین در خصوص مسائل و مشکلات بازرگانان. (مرادی غیاث آبادی، رضا، ۲ مرداد ۱۳۹۲).

این نامه‌ها مانند نامه‌های بلخی با ادای احترام نویسنده به گیرنده نامه و همچنین اظهار خرسندی از سلامتی گیرنده نامه آغاز می‌شود اما در مقایسه با نامه‌های بلخی می‌توان دریافت که این نامه‌ها از لحاظ موضوع با نامه‌های بلخی متفاوت است مثلاً در نامه‌های بلخی ارتباطات خانوادگی مشاهده نمی‌شود و موضوع اغلب نامه‌ها در خصوص خرید و فروش در قالب دستور و درخواست می‌باشد این در حالی است که بعضی نامه‌های سغدی مانند نامه‌های خانوادگی، نویسنده با گیرنده نامه درد دل می‌کند و از غم‌ها و مشکلاتش سخن می‌گوید. نامه‌های تجاری سغدی دارای اصطلاحاتی برای محصولات است که ناشناخته می‌باشد در حالی که در نامه‌های بلخی اصطلاحات ناشناخته به چشم نمی‌خورد.

نامه‌های دوران بلخی از جمله اسنادی هستند که در دهه ۱۹۹۰ م. کشف شد. محتوای بسیاری از این نامه‌ها مکاتبات میان افراد است (Sims-Williams, 2004:3). هر یک از این نامه‌ها دارای موضوع و محتوای متفاوتی اند که گاهی از مقامات پایین تر به مقامات بالاتر در قالب درخواست و گاهی از مقامات بالاتر به مقامات پایین تر در قالب دستور

نوشته شده‌اند. اکثر نامه‌ها با جملات شبیه به هم‌آغاز شده‌اند و دارای شکل و خط مشابه هستند.

این نامه‌ها از لحاظ واژگانی ساده بوده و فهم آن‌ها دشوار نیست. در نگارش این نامه‌ها کلمات ساده و قابل فهم به کار برده شده است. موضوع این نامه‌ها درباره خرید کالا اهداء زمین، درخواست شراب، ملک، گوسفند و یا دستور پرداخت مالیات، آزادی برده، دزدی می باشد.

به‌طور کلی ۷۱ نامه برجای مانده است. این نامه‌ها توسط سیمز ویلیامز به زبان انگلیسی ترجمه شده است (sims-williams,2007:52-167). از میان این نامه‌ها، دو نامه cl و cm درخصوص دزدیده شدن اسب‌ها، برای پژوهش انتخاب شده است. موضوع و محتوای نامه ارتباط این دو نامه با یکدیگر را آشکار می‌کند. موضوع نامه این است که یک خدمت‌کار موضوع دزدیده شدن اسب‌ها را به کردیرورهران که در آن زمان فرمانروای روم بوده است، اطلاع می‌دهد و در پی آنکردیر ورهران نامه‌ای به شخصی به نام شاپور شاپوران می‌نویسد که به نظر می‌رسد وی نیز یکی از مقامات بالای حکومتی است. کردیر ورهران موضوع دزدی را شرح داده و خواهان پیگیری این موضوع می‌شود. بعد از آن کردیر ورهران از طریق همان خدمتکار متوجه می‌شود که اسب‌های دزدیده شده توسط شخصی به نام بیپ نگهداری می‌شود. پس نامه‌ای به بریدگ و تنان، که به نظر می‌رسد در حکومت آن زمان دارای مقام است و بر اساس محتوای نامه احتمالاً سرکرده افغان‌ها است، در این خصوص می‌نویسد. در این نامه کردیر ورهران از بریدگ و تنان گلایه می‌کند و مدعی است که اسب‌ها را افغان‌ها دزدیده‌اند در صورتی که افغان‌ها مدعی بودند که مردان روم یعنی مردان شهری که کردیر ورهران فرمانروای آن است اسب‌ها را دزدیده‌اند. بنابراین وی را تهدید می‌کند که به فرمانروا شکایت خواهد کرد و آسیب سختی به آنها وارد خواهد شد.

۲. هدف و مسئله پژوهش

هدف از این پژوهش شیوه نامه نگاری بلخی است. براین اساس دو نامه cl و cm انتخاب شده است. این نامه‌ها را پیش تر سیمز ویلیامز به انگلیسی ترجمه کرده. با این حال تاکنون تحلیل نشده است. موضوع این دو نامه به یکدیگر شبیه‌اند. در ابتدا حرف نویسی

هر دو نامه آمده و سپس ترجمه فارسی آنها ارائه شده است. پس از توضیحات و تحلیل واژگانی، این نامه‌ها از نظر موضوع و محتوا نیز بررسی شده است. همچنین، نگارنده بر آن است تا تفاوت این دو نامه به ویژه نامه‌های بلخی را با دیگر نامه‌های دوره میانه مشخص کند. به طور کلی این مقاله بر آن است تا به این پرسش‌ها نیز پاسخ دهد: ۱. شیوه نامه‌نگاری در بلخ چگونه بوده است؟ ۲. آیا میتوان از روی این نامه‌ها به عنوان شغلی نویسنده و گیرنده آنها پی برد؟ ۳. آیا از روی این نامه‌ها میتوان مشخص کرد که کدام مقام رتبه بالاتر یا پایین‌تر داشته است؟ ۴. لحن نامه‌ها چگونه است؟

۳. حرف‌نویسی نامهٔ cl

Document cl (sims-williams, 2007:89)

Cl 1A o oa o a o o a o o o va u w oa o o u o -
Cl 1abo oaiošaboranošaboranofriiobradolrodonam soaso room-
Cl 2 o a a o ooa avo o a o o avooa o a a avo a a -
Cl 2zdofaraxokirdirooaranor boxarootanoalošataranokalda-
Cl 3vo oa o o oo vavou ovaoa o uavoua o a a u a o ooa-
Cl 3no xoadolrogo nanomisidonaazomanamar go abamago pidooa-
Cl 4 a o oa avoo o a o o i a u o p v o u a o a o o o -
Cl 4hadokoadanoo šomardozooinigo i bamošnomar go faro o lo-
Cl 5oa avooa a o oo avoua o a o o a a v oo a o u a o
Cl 5oatanoaalagokirdootanomaro abo r boagadind ioodasomaro
Cl 6a o oa v o a o a v o a o v a p o oa o o o o
Cl 6 aspoostind iotaldoi aindotadonašizgisto sidoaldo to xo
Cl 7 o o o a o v o a o a o o o p o u a o o o o u o o a -
Cl 7pidoxobo faro sinddotado abo o šmardox zootomopidoia-
Cl 8 o o o a o o a o oo a o a o o o a o v a o a -
Cl 8spoodogalooisarokiroodaldogaloodoiasponax z io ta-
Cl 9 a a o a o u o a o a p v o a o o o a o -
Cl 9kaldazo taro ers motadoab šn roiaspoogalox z-
Cl 10 u o o a o o o o a o a p v o u a o u o o v a -
Cl 10 mootofarotoxo oaxoašnokirimotadomopido i nabi-
cl 11 oa o avo
cl 11xt ioatozano

نشانی، پشت صفحه

Cl 12A o oa o a o o a o -

Cl 12abo oaiošoborošab-

Cl 13o avo a

Cl 13oranofriiobradolro

۱.۳ ترجمه فارسی نامه cl

۱- به وی - شاپور شاپوران^۱، برادر عزیز (من)، درودها (و) نماز از طرف ۲- کردیر - ورهران^۲ "باشکوه به واسطه اهرمزد"، فرمانروای روب^۳. و پس من بیش تر خوشحال می شوم هنگامی که ۳- من خود سلامتی (شما) را ببینم. به علاوه، نواز^۴ خدمت کار من از من درخواست کرد^۴- (می گوید): ویش مرد ساکن زوین^۵ خدمت کار ملکه، ۵- ... را به ویل - وتن^۶ ساخته است، و آنها این جا به روب آمده اند و اسب ها را از این جا ۶- دزدیده اند اگر (این چیزها) درست است، این خوب نیست. اکنون، اگر ۷- این فرمانروا اعلی حضرت را خوشحال می کند به دنبال ویش - مرد بگردید و ۸- برای من درباره اسب ها و دزدان قضاوت کنید. و اگر شما به دنبال دزدها و اسب ها نگردید، پس ۹- هنگامی که من آن جا (نزد شما) آمدم به دنبال دزدها و اسب ها می گردم بدون ترحم ۱۰- و من سبب نارضایتی برای شما فرمانروا (خواهم) شد. من به درباره این به شما نوشته ام ۱۱- بنابراین شما باید بدانید. ۱۲-۱۳- به وی - شاپور شاپوران، برادر عزیز (من) درودها.

۲.۳ تحلیل واژگانی نامه cl

واژه های این دو نامه براساس کتاب اسناد بلخی نیکلاس سیمز ویلیامز (2007) تحلیل شده اند.

μ o + o : μ o /abamago/ (ضمیر اول شخص مفرد در حالتی برای - ازی)

Đv po /ab šn ro/ : صفت یا قید «بدون سپاس» احتمالاً ترکیبی با -

A o /abo/ : حرف اضافه «به، برای، علیه، در، روی» - *abi- فارسی باستان: abiy

o /aso/ : حرف ربط «اما، به عبارت دیگر، در حقیقت» اوستایی: āat-

o /aldo/ : حرف ربط «یا، دگر»

o /ato/ : حرف ربط «که، بنابراین»

o /aso/ : حرف اضافه «از» - *ha اوستایی: ha a

نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی ... (نجمه غریب و زهره زرشناس) ۱۳۷

o ɓvo /axoašno/ : اسم «خشنودی» *xwaš(a)nā + *a پیشوند نهی . پارتی: xwšn

o /aspo/ : اسم «اسب» *aspa- اوستایی: aspa-

μoɓvo /bamošno/ : عنوان «کلمه» وام واژه از فارسی میانه *b mušn

o /brado/ : اسم «برادر» *br tar- اوستایی br tar-

o /galo/ : اسم «دزد» *gada- اوستایی: ga -

vo /zano/ : فعل دوم شخص مفرد انشایی از-av «دانستن، تجربه داشتن»- *z na<

پارتی: z n سغدی: z n

o v o /zoinigo/ : اسم یا صفت، شاید به معنی (ساکن) زوین باشد o vo +

μo /rs mo/ : فعل مضارع اول شخص مفرد - p «آمدن، رفتن» *gata

/i/ اضافه

o + - : o /iaspo/ (اسم) «اسب» *aspa- اوستایی: aspa-

vo /kaldano/ k o :k (حرف ربط) «اگر، وقتی» *kad vo + (حرف اضافه)

ko o :ko avo /koadano/ (قید) «کجا» vo + (حرف اضافه)

k poo p vo /kirdirooarao/ : اسم خاص «کردپروهران»

k o /kirdo/ : فعل ماضی سوم شخص مفرد k p «کردن، انجام دادن»- *krnu-/krta-<

فارسی باستان: kun(av)-/krta-

k o /kiro/ : فعل امر دوم شخص مفرد k p «کردن، انجام دادن»- *krnu-/krta-<

فارسی باستان: kun(av)-krta-

k μo /kirimo/ : فعل مضارع اول شخص مفرد k p «کردن، انجام دادن»- *krnu-/krta-<

فارسی باستان: kun(av)-krta-

o o /lrodo/ : «اسم» سلامتی، احوال پرستی «- *druwa-t r- اوستایی: druwaat t . سغدی:

rwth و rw't'wh

o o /lrogo/ : اسم «دروغ» *drauga- فارسی میانه drauga

μ vo /mano/ : ضمیر اول شخص مفرد «من، توسط من» *mana- اوستایی: mana-

μ o /maro/ : قید «این جا» *ima ra- ختنی: mara-

μ o /mar go/ : اسم «غلام، خدمتکار» *mar(i)yaka- . فارسی باستان: mar ka-

- o /misido/ : حرف ربط «اکنون، به علاوه» <μ o + o
- o /nam so/ : اسم «نماز، تعظیم» اوستایی: namah- . سغدی: nm'cyw فارسی میانه: nam z
- o /naoazo/ : اسم خاص «نواز» v oa o
- o /našizgisto/ : v p o : v p o (صفت) «بدر» o o + < v + p (فعل مضارع سوم شخص مفرد)
- o /nax z io/ : v تمنايي دوم شخص مفرد (منفی یا نفی) «جستجو کردن، پرسیدن» *hwaza(ya)(?)va < (علامت نهی) + o
- o /nabixt io/ : v فعل ماضی دوم شخص مفرد - v x o, v «نوشتن، توصیف کردن» *ni-pisa- < سغدی: np'yns
- o /oišaboro/ : o p o اسم خاص «شاپور»
- o /otano/ : o o : o (حرف ربط) «و» + vo (حرف اضافه)
- o /oalo/ : o قید «آن جا، بعد» *awada < «آن جا» - پارتی: 'wwd . سغدی: 'w
- o /o nano/ : o v vo فعل التزامی اول شخص مفرد - v o فعل «دیدن، مشاهده کردن» <*waina/dita-
- o /o šomardo/ : o poq اسم خاص «ویش مرد»
- o /o loatano/ : o oo vo اسم خاص «ویل وتن»
- o /o lago/ : o o : o (قید) «بعد، آن جا» + o (پسونند) *awada < «آن جا»
- o /odaso/ : o o : o (حرف ربط) «و» + o (پسونند) - *uta- فارسی میانه ud
- o /oastind io/ : v o فعل ماضی سوم شخص جمع - o - , o - oas
- «رهبری کردن، گرفتن» *w daya- / wašta- : پارتی: w'y- / w'st
- o /otomo/ : o o : o (حرف ربط) «و» + μo
- o /odo/ : o حرف ربط «و» *uta < فارسی میانه: ud- ترکیبی از - o
- o /pidooahado/ : oo v o فعل ماضی سوم شخص مفرد - ooa «درخواست کردن»
- *pati-wah(y)a- فارسی باستان: pati-vahya
- o /pido/ : حرف اضافه «در، بر روی، به وسیله، با» *pati- < اوستایی: paity
- o /r boxaro/ : p o اسم «حاکم روب»

نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی ... (نجمه غریب و زهره زرشناس) ۱۳۹

o /r bo/ : نام شهر «روب»
v o /sindo/ : فعل مضارع سوم شخص مفرد - v «آرزو کردن، خوشحال بودن»- *sandaya اوستایی: sandaiia
o:a o /taldo/ (حرف ربط) «اگر، یا» a + (حرف ربط) «بعد» *t . اوستایی: t
o /tado/ : حرف ربط «بنابراین، پس، و» o + a - سغدی twty
o /to/ : ضمیر دوم شخص مفرد و صفت اشاره - *ta < سغدی t
k bo /takaldazo/ : حرف ربط «بعد» از - a - *t < اوستایی: t -
o /taro/ : قید «آن جا» *ta ra < سغدی trs
p o /friio/ : صفت «عزیز» - *friya < اوستایی: friia . ایرانی باستان: priyá
o o /xodo/ : قید یا ضمیر انعکاسی «خودش» *hwatah - اوستایی: x^vato
o o /xobo/ : قید «احتمالاً» *h(u)w- apah < فارسی نو x b گاهی ضمیر انعکاسی هم می‌تواند باشد به معنی «خودت، خودش» - *hwa-pa ya <
o o /xo o/ : اسم «خداوندگار» *hwa-t wan < سغدی: xwt'w - پارتی: xwd'wn
وام واژه از فارسی نو xid v
o /x zo/ : فعل امر دوم شخص مفرد - xw «پرسیدن، درخواست کردن»
< *hwaza(ya)-(?)
μo /x z mo/ : فعل مضارع اول شخص مفرد - xw «درخواست کردن، پرسیدن» < *hwaza(ya)-(?)
o: p x o / rmozdofaraxo/ (اسم خاص) + oapaxo (صفت)
< *farnah-w h- «باشکوه»
o / sido/ : قید «اکنون» o < (قید) اکنون + o (بی چسب)
pa o vo /šaborano/ : نام خانوادگی «شاپوران»
o:p vo /šatarano/ (صفت) «بسیار خوشحال» + o p + پسوند po + avo
(پسوند صفت ساز)

۴. حرف‌نویسی نامه cm

Document cm (sims-williams,2007:90)

- Cm 1[A] o o a o o o a o o p o o a a o [o]-
Cm 1 [a]bobr dagoatananofriibradolradoaso romozdofaraxokirdi[ro]-
Cm 2[o]a a avo o a o o avo oa o Pa a avo a avo oa o o [o]
Cm 2 [o]araranop boxarootanoalošataranokaldanoxoadolrog[o]
Cm 3[o va]vo μ o vao o μavo μa o a aμa o ooava o oa[avo]
Cm 3 [o na]nomisidonaozomanomar goabamagopidoanadokoa[dano]
Cm 4[o] ooa avo a ooa o o o o a o o o o apao [..]-
Cm 4 [o]nlooatanoaspooast iooto soiaspobipoodokaraoi[. .]-
cm 5[.].v o v o a o avo a o va P o o o[a o]
cm 5 [.]n lol rind iotaldoi aindotadonašizgistopido i ko[ado]
cm 6[aμ]a o a a avavo μoPa o a aμa o ao oav o oa [avo]
cm 6 [tam]axoabagananomašagoabamagoi axoandokoad[ano]
cm 7[] [] o a [o] o a o o v o o vo a [o] ao[
cm 7 [r]b[i]go a[spo] pidogaligo lind ioot no asp[o] rao[]
cm 8[v] o a a o o o va o o a o o P a o [oa]-
cm 8 [ni]stoagatoonabor bigoadorigdošiiad io k[oad]-
cm 9[avo]a a avo a o oa o a o p o a aμa o a [oavo]
cm 9 [ano] abaganoaspooast iotadomopidotamaxo sax[oano]
cm 10[a o] o a aoavo a v o o a o o o [o] [v o]
cm 10 [abo p] bigoab gaono bastinado soaldo to xoe[os] I [nddo]
cm 11[a o]a o o o a o o o o p o P o o a o aμ-
cm 11 [tado g]aloodoiaspox zootomofoštiioodaldo gam-
cm 12[a]vo o o o p o a o o o a o va o P o a a [o]
cm 12 [a]no kir dootomoiaspoodogalonafoštii iotakald[o]
cm 13a a a o o o o a o v a o a o
cm 13asafagor bigoxoboaspox zindadotado

حاشیه سمت چپ، ادامه نخست (خطوط 4ca از بین رفته است)

ادامه دوم، پشت صفحه

- Cm 18 va a [o] ..[] . ..[]va a [o]
Cm 18 nabag[o] r . . [] . B . . [] nabag [o]
Cm 19 va oP[] o a a o a o -
Cm 19 nafaš[t]ii iotakaldotarors-
Cm 20 μo a o va a o o a a o a o-
Cm 20 motatonabagopidoargaggoaxo-
Cm 21 aPv o μ[o]o o aμo a μo-
o - cm22 cm cm 22
cm22 v vo vo v μ p μo Cm 21 ašnilfox z m[o]oto hamoabi
cm 22 nano bagano nišmar mo tato apa-
cm23 p o p o o o o o p o o va

cm23 što argaggo zigo bodo tado mo pido i na
cm24 o o vo
cm24 bixt io ato zano

آدرس

cm25 o p o o -
cm25 abo br dago oat -
cm26 v vo p o p o po o
cm26 vavo friio brado lroso

۱.۴ ترجمه فارسی نامه cm

۱- به بریدگ و تنان^۱، برادر عزیز (من)، درودها از طرف کردیر - ورهران "شکوهمند به واسطه اهرمزد" ۲- فرمانروای روب و بعد من بیشتر خوشحال می شوم هنگامی که من خود سلامتی [شما را] بینم ۳- به علاوه، نواز خدمتکار من از درخواست کرده است (می گوید) ۴- ویل - وتن اسب ها را خارج کرده = دزدیده و اکنون بیپ^۴ و مستخدمش اسب ها را ۵- نگه می دارند در ... اگر (این چیزها) درست باشد، پس این خوب نیست، زیرا ۶- [شما] طایفه افغان ها به من چنین گفتید ۷- " مردان روب توسط دزدها اسب ها را دزدیده اند (یعنی) کسانی که اسب ها را همراهی کردند ۸- (ظاهرا)" توجه نکردند...! و شما نباید نسبت به مردان روب انکار کنید [که] ۹- افغان ها اسب ها را برده اند به خاطر بیانیه شما من ۱۰- مردان روب را که بی گناه بودند محدود کردم اکنون اگر این، فرمانروارا [خوشحال] می کند، ۱۱- تو باید به دنبال دزدان و اسب ها بگردی و آن ها را نزد من بفرستی و اگر ۱۲- شما اشتباه عمل کنید و تو اسب ها و دزدان را نزد من نفرستی هنگامی که ۱۳- مردان روب اسب ها را از شما درخواست کردند، پس ... ۱۴-... ۱۵-... ۱۶-... ۱۷-... ۱۸- اگر گروگان ... [اگر] ۱۹- شما گروگان را نفرستید، پس هنگامی که من آن جا (نزد شما) آمدم ۲۰- ۲۱- من گروگان را (از شما) با ناخوشایندی سخت درخواست خواهم کرد، و همچنین ۲۲- من به فرمانروایان^۲ شکایت خواهم کرد (و) بنابراین شما ۲۳- آسیب سختی متحمل (خواهید) شد. من ۲۴- در این مورد به شما نوشته ام پس باید آگاه باشید ۲۵- ۲۶- به بریدگ و تن، برادر عزیز (من) درودها.

۲.۴ تحلیل واژگانی نامه cm

- vo /abagano/ : اسم خاص «افغان، مردم افغان»
- v vo /abaganano/ : اسم خاص، جمع «افغان‌ها»
- o /abamago/ : μ (حرف اضافه) " به ، برای، علیه، در، روی" + o μ
- A o /abo/ : حرف اضافه «به، برای، علیه، در، روی» *abi < فارسی باستان: abiy
- o vo /ab gaoano/ : صفت «بی تقصیر» از پیشوند + o vo (اسم) «تقصیر، گناه»
- μo vo /abimohano/ : از o -, o (حرف اضافه) «به، برای، ؟، در، بر روی» *abi < فارسی باستان: abiy
- op o /adorigdo/ : شاید از ریشه گذشته ما باشد. «انکار کردن» *ati-rixta < ایرانی باستان: ati-rikta
- o /asafago/ : ∅ (حرف اضافه) «از طرف» + o
- o /aspo/ : اسم «اسب» *aspa- < اوستایی: aspa
- owpao [] /aspo raol/ : بخش اول اسم «اسب» و بخش بعدی کلمه مشخص نیست.
- o /aso/ : حرف اضافه «از» *ha a- < اوستایی: haca
- o /aspo/ : اسم «اسب» *aspa- < اوستایی: aspa
- o /aspopido/ : o (اسم) «اسب» + o (حرف اضافه) «در، بر، وسیله». *pati- + *aspa-
- o /apašto/ : قید «بنابراین» سغدی: pyšt
- o p v ∅o /axoašniifo/ : اسم «نارضایتی» oapvo < + o (پسوند)
- o /argaggo/ : صفت شاید به معنی «سخت، جدی» *agra- < + o (پسوند)
- o /ato/ : حرف ربط «که، بنابراین»
- vo /bagano/ : نام مردم شاید افغان. فارسی نو: af n
- v o /bastinado/ : فعل ماضی سوم شخص جمع -o (ریشه گذشته) «متعهد کردن، ملزم کردن» *basta- < اوستایی: basta

نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی ... (نجمه غریب و زهره زرشناس) ۱۴۳

- o /br dago/ : اسم خاص «بریدگی»
- o /brado/ : اسم «برادر» <*br tar - اوستایی: br tar
- o /bipo/ : اسم خاص «بیپ» نام اصیل محلی نیست.
- o o /bodo/ : فعل مضارع سوم شخص مفرد o- / o- a ov- «بودن، شدن» <*bawa-
/krta- . سغدی: w, -, 'l'krt- .
- o /galigo/ : صفت یا اسم «ساکن» گز. abo < + پسوند o
- o /galo/ : اسم «دزد» <*gada- اوستایی: - gas
- vo /zano/ : فعل انشایی دوم شخص مفرد و فعل امر دوم شخص مفرد v- «دانستن،
تجربه داشتن» <*z na- پارتی: z'n . سغدی: z'n
- o /zigo/ : اسم «آسیب، زیان» <*z(i)yak سغدی: jyk
- p μo / rs mo/ : فعل مضارع اول شخص مفرد p - «آمدن، رسیدن» <*gata-
/i/ : اضافه
- o + : o /iaspo/ (اسم) «اسب» <*aspa- اوستایی: aspa
- o : a v o /i aindo/ (قید) «پس، بنابراین» v o + (فعل مضارع سوم شخص جمع)
- o /i ao/ : قید «پس، بنابراین» <*i اوستایی: i ā
- vo /kaldano/ : از k o : k (حرف ربط) «اگر، وقتی» <*kad vo + (حرف اضافه)
k o ... v o /k r oi... n lo/ : این کلمه مشخص نیست.
- oo vo /kirdirooarani/ : اسم خاص «کردیروهران»
- k o /kiro/ : فعل امر دوم شخص مفرد k «کردن، انجام دادن» <*krnu- /krta- .
فارسی باستان: krta- /kun(av)
- ko vo /ko d no/ : قید «کجا»
- o o /irodo/ : اسم «سلامتی، احوال پرستی» <*druwa-t r- اوستایی: druuat t . سغدی:
rwt'twh و rwth
- o o /lrogo/ : اسم «دروغ» <*drauga- فارسی میانه: drauga
- p v o /l rind io/ : فعل اول شخص جمع تمنایی p- «نگه داشتن، تعلق داشتن،
داشتن» <*d raya- /drxta-

- mana-: اوستایی: *mana- «من، توسط من» -> *mana-
 μ vo /mavo/ ضمیر اول شخص مفرد «من، توسط من»
 mar ka-: اسم «غلام، خدمتکار» *mar(i)yaka- فارسی باستان: mar ka-
 μ o /mar go/ اسم «غلام، خدمتکار»
 μ o /misido/ حرف ربط «اکنون، به علاوه» o + μ
 μoβa o /mošago/ اسم شاید به معنی «فامیل، گروه، مردم» باشد. از لحاظ ریشه شناسی
 مشخص نیست.
 vao o /naoazo/ اسم خاص «نواز»
 v o /nabixt io/ فعل ماضی سوم شخص مفرد - v «نوشتن» *ni-pinsa-
 سغدی: np'yns
 o + va :v o /nabo/ «پیشوند» - n- * «پارتی»: n' سغدی: n'
 o /našizgisto/ از: v b o «(صفت) «بد» o + < v + b (فعل مضارع
 سوم شخص مفرد)
 v o /nabago/ اسم «گروگان» *ni-p ka- سغدی: np'k فارسی نو: nav
 v op o /nafoštii io/ فعل نهی تمنایی دوم شخص مفرد. V (علامت نهی) *naid
 و اوستایی: o + n it . oβ - . *fra-st ya / fara-st ta- . oβ - / oβ - / oβ
 oβ (فرستادن)
 v βμ p μ o /nišmar mo/ فعل مضارع اول شخص مفرد v βμ p- , v βμ p-
 «شکایت کردن» *ni-šm ra(y)
 vo + o :o vo /otano/ (حرف ربط) «و» + vo
 v vo /oatanano/ حرف ربط «و» *uta- و فارسی میانه ud
 oα o /oalo/ قید «آن جا، بعد» *awada- «آن جا». پارتی: wwd . سغدی: 'w
 oαστηιο /oast io/ فعل گذشته تمنایی سوم شخص مفرد - o / o «گرفتن،
 راهنمایی کردن» *w daya-/wāsta- پارتی: w'y-/w'st
 o o ovo /o looatano/ اسم خاص «ویل وتن»
 o v o /o lind io/ فعل تمنایی سوم شخص جمع v- o «دیدن، مشاهده کردن»
 *waina-/dita-
 o v vo /o nano/ فعل التزامی اول شخص مفرد v- o «دیدن، مشاهده کردن»
 o /oisaro/ اسم «تصمیم، قضاوت» *wi- ra- فارسی میانه wiz r «توضیح»

- o o /oto/ : حرف ربط «و»
- o v vo /otano/ : نام خانوادگی «وتنان»
- o o o /otomo/ : از «و» (حرف ربط) «و» + پسوند μo (ضمیر اول شخص مفرد) «من، به وسیله من» *mai. اوستایی: m
- o /pido/ : حرف اضافه «در، بر روی، به وسیله، با» *pati <- اوستایی: paiti
- oo o /pidooahado/ : ماضی سوم شخص مفرد - ooa «درخواست کردن»
- *pati-wah(y)a- : فارسی باستان: pati-vahya-
- o /r bigo/ : صفت «(شهر) روب» + pw o < پسوند a o
- o ro /r boxaro/ : اسم «حاکم روب» p o (اسم) «روب» + po (اسم) حاکم
- *xš riya-
- xo vo /saxoano/ : اسم «سخن، کلمه» *sahwan < فارسی میانه: saxwan
- v o /sinddo/ : فعل مضارع سوم شخص مفرد - v «آرزو کردن، خوشحال بودن»
- *sandaya- : اوستایی: s ndaiia-
- o /tadomol/ : از «و» (حرف ربط) «بنابراین، پس، و»
- o /taldo/ : از a- «(حرف ربط) «بعد» *t <- اوستایی: t -
- k o /takaldo/ : «(حرف ربط) «بعد» + k l o «(حرف ربط) «وقتی که، اگر»
- <*kad
- μ xo /tamoxo/ : ضمیر دوم شخص جمع «شما» *ušm xam <
- o /taro/ : قید «آن جا» *ta ra < سغدی: trs
- o /tato/ : اسم خاص. همچنین از o «(حرف ربط) «پس» + o
- μo /hamo/ : قید «همچنین» *hamam <
- p o /friio/ : صفت «عزیز» *friya < و اوستایی: friia- ایرانی باستان: priyā-
- o v o /xoando/ : فعل التزامی سوم شخص مفرد. Xo v- «بیان کردن، گفتن»
- فارسی میانه: hwant و -hw n(ya) <
- o o /xoado/ : قید یا ضمیر انعکاسی «خودش» *hwatah اوستایی: x^vato-
- xo o /xobo/ : قید «احتمالاً» به احتمال کم از -h(u)wapah < فارسی نو: x b و
- صفت انعکاسی «خودت، خودش» هم می‌تواند باشد.

- o /x zo/ : فعل امر دوم شخص مفرد. - «پرسیدن، درخواست کردن»
<*hwaza(ya)-(?)>
- v o /x zindado/ : فعل التزامی سوم شخص جمع - «پرسیدن، درخواست کردن»<*hwaza(ya)-(?)>
- μo /x z mo/ : فعل مضارع اول شخص مفرد - «پرسیدن، درخواست کردن»<*hwaza(ya)-(?)>
- μo o a a o / rmozdofaraxo/ (اسم خاص) + p o (صفت)
<*farnah-w h «باشکوه»>
- o / so/ : قید «اکنون»
- vo /satarano/ pa a o :p (صفت) «بسیار خوشحال» از (po + p o) + vo
- p o /šiad io/ :p فعل ماضی سوم شخص مفرد - p «قادر بودن، توانستن» - *xš ya-
فارسی میانه: -y š

۵. تحلیل نامه‌ها

متن نامه‌ها نشان می‌دهد که موضوع هر دو نامه دزدی اسب است. هر دو نامه را کردیر ورهران که مقام شغلی وی مشخص است و در نامه نیز ذکر شده که وی فرمانروای روب (روی کنونی) است؛ نوشته است. وی نامه را به مقامی بالاتر از خودش ارسال کرده است یعنی شاپور شاپوران که می‌توان دریافت که فرمانروایی قسمت وسیع‌تری را به عهده دارد. هر دو نامه با جمله "به برادر عزیز من درود و نماز" آغاز می‌گردد و با همین جمله پایان می‌پذیرد. این که نویسنده نامه، گیرنده نامه را با عنوان برادر عزیز خطاب می‌کند می‌تواند نشان دهنده ارادتمندی نویسنده نامه به فرمانروا باشد. همچنین در هر دو نامه نویسنده نامه از سلامتی فرمانروا احساس خرسندی می‌کند. هر دو نامه دارای نثری روان است و در متن آن‌ها از کلمات و عبارات دشوار استفاده نشده است در نتیجه فهم متن نیز دشوار نیست. مقام شغلی هر یک از افراد در نامه ذکر شده است مثلاً "ویش مرد ساکن زویین و خدمتکار ملکه است و نواز خدمتکار کردیر ورهران است. ویش مرد شخصی است که اسب‌ها را دزدیده است. با توجه به محتوای نامه می‌توان دریافت که کردیر مقامی پایین‌تر از گیرنده نامه دارد زیرا مراتب را به شخص دیگری (شاپور شاپوران)

اطلاع می‌دهد و از وی درخواست رسیدگی به موضوع دزدی را دارد و همچنین نامه در قالب درخواست می‌باشد. از محتوای نامه چنین به نظر می‌رسد کردیر فرمانروای روب هنگامی که از خدمتکارش نواز خبر زدییده شدن اسب‌ها را می‌شنود از طریق نامه به مقامات بالاتر پیگیری می‌کند و وقایع را در نامه توضیح می‌دهد از محتوای نامه دوم که کردیر مجدداً نوشته می‌توان دریافت که وی اطلاعات دقیق تری راجع به دزدی دریافت کرده است زیرا بیان می‌دارد که افغان‌ها اسب‌ها را زدییده‌اند و مردان روب بی‌گناه بودند. بنابراین فرمانروایان در رسیدگی به چنین مسائلی درنگ و کوتاهی نمی‌کردند و با توجه به اشاره کردیر به بی‌گناه محکوم شدن مردان روب می‌توان دریافت که فرمانروا در این میان به این مساله که اشخاص دیگری بی‌گناه مجازات نشوند توجه دارد که این بدین معنی است آن‌ها عدالت را نیز در این خصوص رعایت می‌کردند.

۶. نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد این دو نامه از لحاظ موضوع و محتوا و سبک نگارش به یکدیگر شبیه هستند و با هم مرتبطند. نامه‌های بلخی که دو نمونه از آن‌ها در این مقاله آورده شد در مقایسه با نامه‌های دوره میانه سبک نگارش ساده‌تر برخوردارند و موضوعات این نامه‌ها کاملاً با نامه‌های دوره میانه غربی متفاوت است زیرا در نامه‌های دوره میانه مسائل دینی و سیاسی بیان شده است که به دلیل موضوع آن‌ها در آن نامه‌ها از کلمات دشوار استفاده شده است و بیشتر باید‌ها و نباید‌ها و پرسش و پاسخ می‌باشد در صورتی که نامه‌های بلخی مکاتبات میان مقامات دولتی در خصوص رفع مشکلات و رسیدگی به شکایات است. آغاز هر نامه و چهارچوب نوشتاری نامه‌های بلخی با دیگر نامه‌های دوره میانه غربی متفاوت است زیرا این نامه‌ها با جملاتی آغاز می‌شود و با همان جملات پایان می‌پذیرد. و از روی این نامه‌ها مقام نویسنده مشخص می‌شود زیرا اکثر نامه‌های بلخی در قالب دستور و درخواست نوشته شده است. نامه‌هایی که در قالب دستور نوشته شده، نشان‌دهنده رتبه بالاتر نویسنده نامه نسبت به گیرنده نامه است. در نامه‌هایی که در قالب درخواست نوشته شده، گیرنده نامه رتبه بالاتری نسبت به نویسنده نامه دارد. در اکثر نامه‌های بلخی عنوان شغلی نویسنده و گیرنده نیز مشخص شده است. مثلاً در نامه C1 ویش مرد ساکن زویین و خدمتکار ملکه استونواز خدمتکار

کردیر ورهران است. کردیر ورهران فرمانروای روب است نامه های دوره میانه غربی با مقدمه ای آغاز می شود و سپس متن اصلی آورده می شود شباهت نامه های بلخی با نامه های دوره میانه غربی در ذکر نام افرادی است که دارای مقام بالاتری هستند بدین معنی که نام فردی که دارای مقام برتری می باشد در ابتدای نامه ذکر می شود. نامه های بلخی در مقایسه با نامه های دوره میانه شرقی یعنی نامه های سغدی که از آن ها سخن به میان آمد نیز دارای نگارش ساده تری است در حالی که نامه های سغدی دارای اصطلاحاتی است که معنای مشخصی ندارد در نامه های بلخی نامه ای که در ارتباط با خانواده باشد به چشم نمی خورد و بیشتر نامه هایی است که بین مقامات رد و بدل شده است در حالی که بعضی از نامه های سغدی میان افراد خانواده رد و بدل شده است. در هر دو نامه های سغدی و بلخی ادای احترام در ابتدای نامه به چشم می خورد لحن نامه های سیاسی دوره میانه غربی آمرانه و در نامه های دینی به صورت موعظه می باشد در مقایسه، لحن نامه بلخی cm تهدید آمیز است. با توجه به محتوای نامه های دوره میانه که به آنها اشاره شد و هم چنین دو نامه بلخی که به عنوان نمونه آورده شده است به نظر می رسد که در مقایسه با نامه های دوره میانه، این گونه لحن تهدید آمیز، بیشتر در نامه های بلخی یافت می شود که نمونه ای از آن نیز ذکر شد.

پی نوشت ها

۱. وی شاپور شاپوران: او یک نجیب زاده است. در فارسی میانه و فارسی نو به صورت: way-buhr § (sims-williams,2010:97).
۲. کردیر ورهران: ورهران به معنی پیروز می باشد که نام آخرین شاه کوشانی نیز بوده است. ممکن است کردیر ورهران تنوکان، عنوان فرمانروایی آستیاخریس باشد. (ibid)
۳. روب: (نام کنونی روی) یکی از مناطقی است که اسناد در آن جا نوشته شده است و در قلمرو فرمانروایی تحت عنوان خار یا خر روب است. خار روب بدون شک همان روب خان است به معنی فرمانروای روب. (سیمز ویلیامز، ۱۳۷۹: ۹۷)
۴. نواز خهروگان: مردی نجیب زاده و ممکن است همان نواز فرمانده دژ باشد. (Sims-williams,2010:95)
۵. ویش مرد: مرد ساکن زوین (ibid:106)

نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی ... (نجمه غریب و زهره زرشناس) ۱۴۹

۶. زوین : نام منطقه ای است که از نظر جغرافیایی مشخص نیست.
۷. ویل وتن : شاید اصل این واژه از زبان پهلوی اشکانی باشد. (ibid: 105)
۸. بریدگ وتنان : مردی نجیب زاده، عنوان یا نامی برای مالک زمین (ibid:53)
۹. بیپ : اصل این نام محلی نیست. (ibid: 49)

کتاب‌نامه

- بیوار، ا. د. ه. (۱۳۷۳). "تاریخ مشرق ایران"، در: *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان* (جلد سوم، قسمت اول)، به کوشش احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- سیمزویلیامز، نیکلاس، (۱۳۷۹). "رمززدایی از زبان بلخی، پرتوی تازه بر افغانستان باستان"، ترجمه محمود جعفری دهقی، مجله زبان‌شناسی، سال پانزدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، صص ۸۳-۱۰۷.
- جعفری دهقی، محمود، (۱۳۹۲). "درآمدی بر زبان بلخی"، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران.
- زرشناس، زهره. (۱۳۷۶): "زبان بلخی"، نامه فرهنگستان علمی-پژوهشی، فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، سال سوم، شماره اول. صص ۱۲-۴۰.
- زواری، محمد امین، (۱۳۸۸). "جغرافیای تاریخی بلخ"، انتشارات بنیاد وقوفات افشار یزدی، تهران.
- مرادی غیاث آبادی، رضا. (۱۳۹۲) نامه های سغدی [پژوهش های ایرانی]. بازیابی شده در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۹۲
- منصوری، یدالله؛ شریفانی، پویا. (۱۳۹۴) "نامه های منوچهر، متن انتقادی (آوانویسی)، واژه نامه، نمایه پهلوی" انتشارات آوای خاور.

- Lerich, A., (1989). "Pre-Islamic Bactria", in: *encyclopedia Iranica*, (ed. E. Yarshater), P.340
- Maricq, Andre, (1958). *Inscriptions de Surkh-kotal (Baghlan). La Grande Inscription de kanishka et L'Eteo-Tokharien, L'ancienne Langue de la Bactriane*, JA, 343-440
- Sims-Williams, N., 1989. "Bactrian", *Compendium Linguarum Iranicarum*. ed. R. Schmitt, Wiesbaden, PP.230-235.
- , (2004). "Recent Discoveries in the Bactrian Language and their Historical Significance", Kabul: Society for the preservation of Afghanistan's Cultural Heritage.
- , (2007). *BDII: Bactrian Documents from Northern Afghanistan II: Letters and Buddhist Texts*, United Kingdom

۱۵۰ زیان شناخت، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

- , (2010). "Iranische Personennamenbuch Band II Mitteliranische Personennamen Fazikel 7 Bactrian Personal Names", Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften.
- Tosi, M., (1988). "The Origin Of Early Bactian Civilization ", in: Bactria: An Ancient oasis civilization from the sands of Afghanistan, edited by Ligabue Giancarlo & Salvator Sandro, Venice, Italy.

